

تاثیر نوسانات بازار بر جامعه ایرانی

دهن کجی‌های ارز به امید اجتماعی



ملیحه زرین‌پور روزنامه‌نگار



گزارش

تجربه ثابت کرده هر گاه بازار اقتصادی دچار آشوب و بی‌سامانی می‌شود، مردم هم دچار بی‌قراری‌های ناشی از بی‌اعتمادی به آینده، گرانی و تورم می‌شوند و این بزرگ‌ترین ضربه را به امید اجتماعی وارد می‌کند. جند وقتی می‌شود که شاهد نوسانات بی‌سر و سامان و افسارگسیخته بازار ارز هستیم. این نوسانات

شدید، تکانه‌های عظیمی را هم در جامعه موجب شده است تا جایی که در کنار دلنگرانی‌های تولیدکنندگان، کاسبکاران و بازاریان از تورم‌های در راه، موج بی‌اعتمادی عمومی جامعه، کارشناسان و جامعه‌شناسان را هم نگران کرده است.

باید به‌صراحت اذعان کنیم که این روزها بیش از هر زمان دیگری قیمت بی‌ثبات و نوسانات بی‌در و پیکر ارز به امید اجتماعی در جامعه ایرانی دهن کجی می‌کند و صف‌های طولانی جلوی در صرافی‌ها و عدم‌فروش دلار از سوی آنها به مردم خود تائیدی بر این مدعااست. حال تصور کنید در شرایطی که مسئولان و دولتمردان تراز اول کشور از مدیریت برای ثبات نرخ ارز سخن می‌گویند اما درواقع نتنها چنین اتفاقی روی نمی‌دهد و کاملاً عکس آن، نرخ ارز باز هم بالا و بالاتر می‌رود به چه میزان شک و بی‌اعتمادی عمومی به دولت را به دنبال خود می‌آورد؟

بی‌اعتمادی عمومی به دولت

به گفته دکتر امیدعلی احمدی جامعه‌شناس، «افزایش نرخ ارز روی امید اجتماعی تاثیر نامطلوب می‌گذارد و بی‌اعتمادی مردم به دولت را تشدید کرده و از سوی دیگر بی‌اعتمادی نهادی و بین فردی را هم بیش از پیش افزایش می‌دهد. وی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» اظهار می‌کند: «بی‌تردید با کاهش ارزش ریال به‌جای افزایش قیمت دلار، عموم مردم احساس می‌کنند بخشی از ثروت و دارایی خویش را از دست داده‌اند و به همان نسبت قدرت خریدشان کاهش پیدا می‌کند، اوی معتقد است: «این مساله باعث می‌شود مردم احساس کنند مسئولان نسبت به اداره مملکت؛ قدرت لازم را نداشته و توان سیاسی و اقتصادی دولت برای حل مشکلات کاهش پیدا کرده است در نتیجه اعتماد و سرمایه‌های اجتماعی تنزل می‌یابد. به‌اذعان این جامعه‌شناس غیر از بی‌اعتمادی، نرخ‌مشارکت و مشارکت‌پذیری در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز کاهش پیدا کرده و از دیگر سو در پی عدم اعتماد مردم، میل به مهاجرت افزایش پیدا می‌کند.» این جامعه‌شناس با بیان اینکه این مساله روی شرایط خانوادگی افراد جامعه نیز تاثیر گذار است، می‌افزاید: «درآمد خانواده‌ها عموماً ثابت بوده و توان مشخصی دارند اما وقتی درآمد خانوار به‌ویژه در میان اقشار حقوق‌بگیر جامعه در چنین شرایطی کاهش پیدا کند، احساس می‌کنند توانایی مدیریت مسائل خانواده و نیازهای‌شان را نداشته یا این توان کاسته شده است. این نااطمینانی باعث می‌شود مردم سخت‌تر هزینه کنند و با احساس ناامیدی بیشتری به زندگی ادامه دهند و نباید از ذکر و تاکید بر این نکته غافل شد که افزایش نرخ ارز روی امید اجتماعی تاثیر نامطلوبی داشته و خواهد داشت.»

احتمال بروز چالش سیاسی

احمدی در ادامه با اشاره به اینکه تبعات اجتماعی این مساله می‌تواند سبب‌ساز مشکلات امنیتی و سیاسی در جامعه شود، می‌گوید: «در



جدول کلمات متقاطع

افقی														
۱- استخر مصنوعی- آمال ۲- راه افتاده- مشک خالص- وسیله روشنی‌ساز ۳- پهلو و کنار- اثباتشته شده- شیوا														
۴- تلخ عرب- قطب مثبت باتری- آب پاک- چوب بریده‌شده ۵- سرخرگ- خدمتکار- پیرو- یادداشت ۶- روغن فروشی- میار- از شهرهای مازندران ۷- وفای به عهد- پایتخت المان- لیکن ۸- بالش کوکب- تصویر واضح در عکاسی- بزرگتن ۹- قسمتی از ترمز- بند و نصیحت- پهشت ۱۰- فریاد شادی- همسر ابراهیم- واحد شیشه ۱۱- من و تو- درنگ کردن- سیاهی چشم ۱۲- شاعر معاصر سلطان سنجر- با- اضافی- هوایمای سریع ۱۳- گل ته حوض- از انواع ماهی- خواشش و التماس ۱۴- شایان- پرندگان- چهار پایان ۱۵- معاصر- قتل														
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

۲۲۴۱ عمودی

۱- گرابنها- لقب حضرت موسی ۲- سبد بزرگ میوه- وسیله آبکوبی- پایان و عاقبت ۳- حمام تکفیری- سزاوار و درخور- شهر آبی اروپا ۴- محل نگهداری کالا- تکنیک- زه‌کمان- مرکز استان قم ۵- نت دوم- پدر شعر نو- بزگ ۶- گردنبند قهرمانی- هنرمند- میهن ۷- واحد توان- فنا و نیستی- کمک‌کردن ۸- سند- یادگانه- فصیح و بلیغ ۹- گردنگش- وسایل و ابزار- برداشت محصول ۱۰- سرب- محل کار- یک مقدار آب که نوشیده‌شود ۱۱- زیر دست- دودل- از حیوانات اهلی ۱۲- نگاه خیره- شیشه از آزمایشگاهی- شماره ماه- شعله‌ور ۱۳- همراه ششک- میب بر تابی- کمره ۱۴- شبابه- پناهگاه- ده هزار مترمربع از زمین ۱۵- کاشانه- کار کرده و کهنه

۲۲۴۰

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

گزارش



حیوانات با خوردن آب آلوده بیمار شده‌اند



یکی از جوی‌های کشاورزی



در فضای مجازی تصاویری از وضعیت زیست‌محیطی «ملارد» ویدم و بعد که پیگیر ماجرا شدم دیدم که فاجعه‌ای به دور از چشم رسانه‌ها و مسئولان در حال رخ دادن است.

با دفن‌راز کشاورزان آن محل به‌گفت‌وگو پرداختم تا از ماجرا باخبر شوم، یکی از آنها خود و مشکلش را این گونه‌معرفی می‌کند: «بنده حیدری هستم، از ساکنان قدیمی ملارد، بازنشسته نیروی هوایی، ببینید این طور نیست شما فکر کنید ما افراد کشاورزی هستیم و سواد پایینی داریم بنده در نیروی هوایی، بود تخصصی شرکت لا کهدیم‌ارتین آمریکا را طی کرده‌ام و سرمتخصص بال و بدنه جنگنده هستم، سال‌های زیادی برای دفاع از خاک و میهنم دوشادوش خلبان‌های دلیر نیروی هوایی عراق ریخته‌ام تا پهنه آسمان و زمین کشورم ایمن باشد اما واقعاً در این یکی دو سال به اندازه ۱۰ سال شکسته شده‌ام، هر قدر هم در این خصوص مطالعه می‌کنم و از خطرات آن آگاه می‌شوم، بیشتر ناراحت می‌شوم و دلم می‌سوزد و می‌دانم که به‌جز درختان خیلی از حیوانات و پرندگان در معرض آسیب قرار گرفته‌اند برای همین با صراحت می‌گویم این موضوع یک مشکل «زیست‌محیطی» است.

بسیاری از سگ‌ها، روباه‌ها، گربه‌ها و دیگر پرندگانی که زیستگاه‌شان این اطراف است از این آب تغذیه می‌کنند و در میان زباله‌های آمده از شهر غذا می‌خورند و ما می‌بینیم که کم‌کم مریض می‌شوند؛ سگ‌ها رنگ موهای بدن‌شان تیره می‌شود و می‌ریزد و بعد لاغر می‌شوند و می‌میرند، اکثراً ناقل بیماری می‌شوند و در داخل شهر سرگردانند و به‌راحتی آن را منتقل می‌کنند. دام‌هایی هستند که در نزدیکی این زمین‌ها «چرا» می‌کنند و ناقل انواع بیماری‌ها و امراض می‌شوند، خاک آلودگی پیدا کرده است و دور شغل مردم ملارد کشاورزی و باغداری بوده و اصلاً نام ملارد می‌کنند، تمام خاطرات دوران کودکی‌ام در اینجا بوده است. پدر من زمین باغ‌مان را که خرید هیچ چیزی در آن سبز نبود او همراه مادرم باغ را ساختند و تمام عمرشان را در آن زحمت کشیدند و حالا که عمرشان را به شما داده‌اند من تمام تلاشم را کرده‌ام تا باغ را سرسبز و شاداب نگهداری کنم.»

آب‌ها آلوده و زمین‌ها نابود شدند

از او خواستم تا دقیقاً بگوید چه بر سر این شهر و زمین‌های کشاورزی آن آمده و چرا تا به‌حال پیگیر ماجرا نبوده‌ند. به کنار زمین کشاورزی‌اش که آن تازگی و طراوت بهاری در آن دیده نمی‌شد رفت و گفت: «ملارد دو بخش قدیمی و جدید دارد؛ بافت قدیم ملارد قدمت زیادی دارد و در حقیقت ملارد یک شهر تاریخی است و آثار باستانی متعددی هم در آن پیدا شده است. از سال‌های دور شغل مردم ملارد کشاورزی و باغداری بوده و اصلاً نام ملارد تا جایی که به‌خاطر دارم ترکیبی از دو کلمه «محل» و «آرد» است که طی سالیان به صورت ملارد تلفظ شده است.

مردم این منطقه بسیار زحمتکش هستند و با تمام ناامیامتی که در بخش کشاورزی به کشاورزان شده است، هنوز در حال انجام این شغل شریف و در نهایت خدمت به موطئان هستند. مشکلات متعددی پیش روی ما تاکنون بوده، قبل از انقلاب زمین‌های کشاورزی به‌صورت اربابی و برخی با سند عیان بوده که تعداد زیادی از پدران ما روی این زمین‌ها کار می‌کردند اکنون پس از انقلاب هم به‌صورت کامل این مشکل برطرف نگردید و مشکلات مالکیت و مصالحه با بنیاد شهید داریم.

مشکل بعدی ما مشکل آب بوده که بعد از ساخته شدن سد کرج و کم شدن سرریز آن به‌سمت خشکسالی رفته‌ایم البته برداشت‌های بی‌رویه صنعتی هم به‌خاطر به‌وجود آمدن چندین شهر صنعتی در اطراف ملارد بی‌تاثیر نیست، حدود ۳۰ سال پیش ما در عمق کمتر از ۸ متر آب داشتیم اما اکنون چاه‌ها را تا بیش از ۱۵۰ متر عمیق کرده‌ایم و هیچ آبی هم از سد کرج دیگر به این سمت نمی‌آید و تمام مسیرهای آب خشک شده است.

بافت شهری ملارد تقریباً ۲۰ سالی است که به سمت توسعه و شهری شدن رفته است و در قسمت شمالی محله‌هایی با نام «سراسیاب» و «مارلیک» ساخته‌شده است که چندین برابر بخش شهری ملارد قدیم و روستاها وسعت دارند. مشکل بعدی که با آن مواجه شدیم، راه دسترسی بیش از ۶۰ ساله بود که از رویه‌روی امامزاده ابراهیم (ع) به‌سمت باغ‌های ما از بین دو زمین زراعی می‌گذشت که جوی آبیاری ما از آنجا می‌گذرد و حتی از کنار آن برق برای موتور آب برخی باغ‌ها هم آمده است، اما یک شرکت دارویی که این زمین‌های زراعی را خرید و خشک کرد، اکنون این راه را کاملاً به‌شکل عجیبی مسدود کرده است و در ورودی راه یک «خندق» و یک «خاکریز» به‌وجود آورده و همچنین مسیر دسترسی تعداد زیادی از باغ‌ها بیش از ۳ کیلومتر

فرهیختگان



تلی از زباله در کنار درختان باغ‌ها



حفر «خندق» و «خاکریز» در ورودی باغ‌ها

وضعیت اسف‌بار زیست‌محیطی غرب استان تهران در سایه غفلت مدیران شهری

«ملارد» شهر خوشه‌های سیاه!

تغییر کرده و خیلی عجیب است که وقتی به شهرداری مراجعه می‌کنیم به ما می‌گویند: «راه روی سند این زمین‌ها بوده است!»

از حدود ۴ سال قبل شهرداری ملارد با سرعت شروع به ساخت شهرک اداری کرد و با یکی از مالکان بزرگ زمین‌های شمال باغ‌های ما به نام «مهندس ترقی» تفاهم‌هایی کردند. جنوب شهر ملارد محوری به نام چیتگر وجود دارد که در جنوب آن باغ‌های ملارد واقع شده است و بیشتر این باغ‌ها از سوی خود مردم ایجاد شده و محصولات آن خصوصاً «زردآلو» و «کوجه‌سبز» بسیار معروف است.

بعد از امامزاده ابراهیم (ع) محلی موقتی برای بارگیری زباله‌ها و انتقالش به خارج شهر وجود داشت که بعد از آن در سال‌های اخیر شهرداری شروع به ایجاد شهرک اداری کرد و از انتهای بلوار «دکتر حسایی» در جنوب مارلیک و سراسیاب نهری برای هدایت آب‌های سطحی ایجاد کردند که عاقبت آن تبدیل به یک فاجعه زیست‌محیطی شده است و در نهایت آب شهری همراه مقدار زیادی زباله به سمت باغ‌ها سرازیر می‌شود. وقتی بارندگی می‌شود، آب همراه این زباله‌ها در سطح زمین قبل از محور چیتگر به‌صورت راكد تبدیل به دریاچه‌هایی سیاه و متعفن می‌شود و وقتی باران می‌آید تمام این آب‌ها که آلودگی بسیار بالایی دارد همراه زباله‌های شهری به‌طرف باغ‌ها سرازیر می‌شود که این آب هم بسیار آلوده است و هم حجم و فشار زیادی دارد و در پهنه بسیار زیادی آلودگی ایجاد می‌کند.

همان‌طور که شما اکنون می‌بینید در کوچه‌باغ‌ها با منظره‌های تاسف‌بار همراه‌بوی بسیار زننده مواجه می‌شوید، جوی‌های کشاورزی که درخت‌های تنومندی در کنار آنها رشد کرده لجن‌زار و سیاه‌است، داخل و بیرون آنها مقدار زیادی زباله به چشم می‌خورد. این زباله‌ها همه جا هستند و بافت زیبا و چشم‌نواز این کوچه‌ها را از بین برده‌اند.

بنده بارها به شهرداری مراجعه کرده‌ام از همان ابتدا در دوره شهردار قبلی قول دادند که محلی برای پالایش این آب ساخته‌شود و زباله‌های آن از آب جدا‌شود که حتی بتوانیم ما از آن استفاده کنیم. اما هیچ کاری نکردند فقط چندباری برای تمیز کردن خیابان‌های باغ‌ها آمدند، شهردار جدید هم همان قول را داده و چندباری به‌جز نظافت خیابان و کمی خاکبرداری کاری نکردند. ما درخواست‌مان از ایشان رفع این مشکل بود و هست چرا که این کارهای مقطعی دردی از آلودگی محیطی دوانمی‌کند. شهرداری اگر در زمین کشاورزی درختی قطع‌شود مالک آن را جریمه‌سختی می‌کند اما الان که این درخت‌ها بر اثر این بی‌توجهی از بین می‌روند خود شهرداری باعث آن است و البته ادارات دیگری هم مرتبط با این موضوع هستند هیچ شخصی اهمیتی نمی‌دهد و گوشش بدهکار اعتراضات ما نیست. من از همه مسئولانی که این مصاحبه‌را می‌خواندم می‌خواهم به‌داد محیط زیست ملارد برسند. اینجا شهر خوشه‌های طلایی است نگذاریم تبدیل به خوشه‌های سیاه شود.»

نخواستیم صدای‌مان را بیگانه بشنود

کشاورز دیگری که پای درد دل اومی نشینیم «بغدادی» نام‌دارد، از باغداریانی که باغش در مسیر پساب شهری واقع شده است، می‌گوید: «چندین بار به شهرداری مراجعه کرده‌ام و با کمال تعجب به من گفته‌اند که شما تنها کسی هستید که پیگیری می‌کنند! در صورتی که می‌دانم برخی افراد دیگر نیز بارها مراجعه کرده‌اند، فکر می‌کنم حتی اگر حدود یک هکتار را با عمق یک متر برای این کار اختصاص دهند مشکل این آب‌های آلوده مرتفع شود. واقعاً این آلودگی روی همه چیز تاثیر گذاشته و حتی قیمت باغ‌ها نیز پایین آمده و باغ‌هایی که نزدیک‌تر به آلودگی هستند، خیلی آسیب دیده‌اند. داخل این زباله‌ها اگر نگاه کنید همه چیز و همه نوع زباله هست و همین‌ها داخل باغ‌های ما هم می‌آید. سال‌هاست اینجا باغدار هستیم و اکثر باغداران قدیمی هستند و باغ‌های پدری واجدانشان است اما واقعاً این میراث‌ها دارد از بین می‌رود. دوست نداریم حتی تجمع یا بی‌نظمی ایجاد کنیم چرا که با این وضعیت سیاسی در ایران شاید از آن سوءاستفاده شود، باور کنید اگر مدت‌ها قبل یک فریم عکس برای یکی از رسانه‌های خارجی ارسال می‌کردیم، فوراً سوءاستفاده می‌کردند و با سیاه‌مایی و بزرگمایی آن را مطرح می‌کردند و شاید بعد از این اتفاق مسئولان خیلی زودتر از حالا فخری به‌حال محیط زیست ملارد می‌کردند؛ اما ما مردم وطن‌پرستی هستیم و جوانان ملارد ایثارها و از خودگذشتگی‌های فراوانی برای این کشور و نظام کرده‌اند و دوست نداریم صدای‌مان از حلقوم بیگانگان به گوش مسئولان برسد. امیدوارم سریع‌تر کاری و عملی برای این معضل انجام دهند.»

۱۱

این مردم نه اعتراضات میدانی کردند و نه گلاویه‌باجیایی داشتند، امیدواریم بعد از جابه‌جایی و برطرف شدن نابسامانی‌های شهرداری به‌داد خوشه‌های طلایی ملارد برسند و نشود نوش دارو بعد از مرگ سهراب.